

عمل به تکلیف؛ رمزگشای اقدامات امام (ره)

«ما مامور به تکلیف هستیم، نه مامور به نتیجه.» این جمله کلیدی امام خمینی(ره) رمزگشای بسیاری از اقدامات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است و در مقاطع مختلف، می‌توان رفتار ایشان را بر همین مبنا تحلیل کرد.



«ما مامور به تکلیف هستیم، نه مامور به نتیجه.» این جمله کلیدی امام خمینی(ره) رمزگشای بسیاری از اقدامات بنیانگذار همه‌جانبه، اسلام، ادیان، است و در مقاطع مختلف، مامور به نتیجه، اما نه هم، مبنا تحلیل، کرد. جواد منصوری، از مبارزان انقلاب اسلامی که اکنون در عرصه پژوهش‌های تاریخی فعالیت دارد، راز شکل‌گیری رویداد عظیم 15 خرداد را نیز در همین روحیه امام می‌داند و تأکید می‌کند امام خمینی، بدون توجه به تبعات احتمالی یک اقدام که می‌توانست دستگیری، تبعید یا هر برخورد دیگری از سوی رژیم باشد، فقط به مسئولیتی که احساس می‌کردند بر عهده دارند، عمل می‌کردند. منصوری که اولین فرمانده سپاه پاسداران است و مسئولیت‌های دیپلماتیک هم در کارنامه خود دارد، در گفت‌وگو با جام جم تأکید می‌کند قیام 15 خرداد یک واقعه کاملاً پیش‌بینی نشده و غیرمنتظره برای مردم و رژیم بود.

اتفاقات خرداد 42، پیش‌زمینه‌هایی داشت و رژیم پهلوی با اشتباهاتی که در آن مقطع و بعد از آن مرتکب شد، عملاً شرایط سرنگونی خود را فراهم کرد. به نظر شما رژیم پهلوی با چه منطقی در 15 خرداد دست به آن اقدامات زد و آیا مسئولان رژیم درباره تبعات اقدامات خود ارزیابی درستی داشتند؟

وقایعی که از ابتدای سال 42 اتفاق افتاد، بویژه واقعه مدرسه فیضیه در دوم فروردین آن سال باعث شد رژیم شاه در خرداد 42 - که با محرم سال 1383 هجری قمری مصادف شد - احتیاط زیادی در باره برخورد با مجالس عزاداری و وعظ داشته باشد؛ به همین دلیل قبل از محرم، تیمسار پاکروان، رئیس وقت ساواک در بخشنامه‌ای به تمام مراکز ساواک سراسر کشور و شهربانی‌ها تأکید کرد هیچ‌کس حق ندارد فردی را دستگیر کند مگر با تأیید مستقیم خود پاکروان. به عبارت دیگر، این بخشنامه نشان می‌دهد که نمی‌خواستند در جریان محرم، درگیری و دستگیری و تشنجی اضافه‌تر از حد معمول به وجود بیاید. پاکروان به هیچ‌عنوان صلاح نمی‌دانست چنین وضعی در محرم اتفاق بیفتد. بنابراین رژیم تا روز عاشورا به طور کامل، راهپیمایی‌ها و مجالس عزاداری و مطالب وعظ و شعارهای مردم را تحمل کرد تا این که بعد از ظهر دهم محرم - که مصادف بود با 13 خرداد 42 - حضرت امام برای سخنرانی به مدرسه فیضیه تشریف بردند. البته قبل از آن ساواک پیغام داد و خواهش و درخواست جدی کرد که امام از سخنرانی منصرف شوند. دلیلش هم این بود که می‌خواستند عزاداری‌ها تمام شود و مردم به کار و کسب عادی خود بپردازند و به این ترتیب، محرم را بدون درگیری گذرانده باشند، اما امام قبول نکردند و سخنرانی فوق‌العاده‌ای که بعد از ظهر روز دهم محرم داشتند، وضع رژیم را کاملاً عوض کرد، زیرا امام در آن سخنرانی، براندازی رژیم پهلوی را خواستار شد و آشتی‌ناپذیری با رژیم را نشان داد و مردم را این‌گونه مخاطب قرار داد که این رژیم، مشابه حکومت یزید و بنی‌امیه است و امکان‌سازش با آن وجود ندارد. این مساله برای سران رژیم به هیچ‌عنوان قابل تحمل نبود. بنابراین صبح 14 خرداد، سران رژیم جلسه گذاشتند و این مساله را مقدمه شورش عمومی علیه سلطنت دیدند و تصمیم گرفتند امام را دستگیر کنند.

به اعتقاد شما مسئولان رژیم شاه در مقابل هوشمندی امام و پافشاری ایشان بر مواضع خود منفعل شدند؟

امام آنچه را که احساس می‌کردند مسئولیت دارند، انجام دادند و این که امام به این موضوع فکر کرده بودند که دستگیر می‌شوند یا نه، بعید می‌دانم. شاید خیلی از اطرافیان امام و مردم هم تصور نمی‌کردند امام را دستگیر کنند. بنابراین دستگیری امام واقعه‌ای کاملاً غیرمنتظره برای همه بود. به همین دلیل، قیام 15 خرداد واقعه‌ای کاملاً پیش‌بینی نشده و غیرمنتظره برای مردم و رژیم بود. بر همین اساس، رژیم از قبل هیچ‌گونه آمادگی برای برخورد با قضایا نداشت و تصور نمی‌کرد اتفاقی بیفتد. حتی فردوست در خاطراتش می‌گوید: «ساعت 8 صبح وقتی وارد دفتر کارم شدم، نماینده سیا در ساواک به من گفت آیا خبر دارید در تهران چه خبر است. گفتم نه. گفت مردم ریخته‌اند و کلانتری‌ها را یکی یکی تصرف می‌کنند و در حال پیشروی به سمت رادیو هستند.»

یعنی فردوست می‌گوید، از نماینده سازمان جاسوسی آمریکا شنیدم چه اتفاقاتی افتاده است و ساواک از تبعات این ماجرا بی‌اطلاع بود. بنابراین اتفاقی که افتاد، کاملاً غیرمنتظره و خودجوش از طرف مردم بود.

در آن زمان آیا نهادهای بین‌المللی و آنهایی که مدعی حقوق بشر بودند، واکنشی نسبت به اقدامات رژیم پهلوی در مقابل مردم داشتند؟

در دوره پهلوی، سازمان‌های بین‌المللی واکنشی در مقابل اقدامات رژیم پهلوی نداشتند، زیرا این رژیم دست‌نشانده قدرت‌های بزرگ بود و دقیقاً همان قدرت‌هایی که سازمان ملل را پایه‌گذاری کردند، اداره‌کننده رژیم پهلوی بودند. بنابراین امکان نداشت از اقدامات رژیم انتقاد کنند. اگر هم زمانی یکی از این دولت‌ها انتقادی می‌کرد، برای گرفتن امتیاز بیشتر بود وگرنه اساساً سازمان‌های بین‌المللی یا کشورهای مدعی با این‌گونه حکومت‌ها مساله‌ای ندارند. به عنوان نمونه، امروز کدام یک از سازمان‌های بین‌المللی به رفتار سعودی در یمن اعتراض می‌کند؟ کدام یک از سازمان‌های بین‌المللی تا به حال اسرائیل را به دلیل 60 سال جنایت محکوم کرده است؟

بخشی از بیانات معروف امام خمینی در خرداد 42 مربوط به همین بحث اسرائیل بود. در آن زمان، بحث مبارزه با اسرائیل در

ایران چه وضعی داشت؟

جریان های سیاسی، مذهبی و کسانی که در متن فعالیت ها و مبارزات بودند، از سال 1327 فعالیت علیه تاسیس اسرائیل را آغاز کردند. فداییان اسلام و همچنین مرحوم آیت الله طالقانی و افراد مستقل دیگری بودند که در این زمینه فعالیت کردند و حتی حرکتی عمومی برای رفتن به فلسطین صورت گرفت و کارهای زیاد دیگری شد، اما واقعیت این بود که مساله اسرائیل تا آن زمان، مساله اصلی تحصیلکردگان و دانشگاہیان و اقشار به اصطلاح روشنفکر و بسیاری از اقشار مردم نبود، اما حضرت امام با مواضع خود، همه را از این تهدید بزرگ آگاه کرد.

اگر بخواهیم اتفاقات سال 42 را بازخوانی کنیم، چه درس هایی از این ماجرا برای مواجهه با مسائل روز کشور و موضوعات بین المللی وجود دارد؟

15 خرداد 42 اتفاقی افتاد که زمینه ساز جنبشی بنیادین و اساسی در کشور شد و این تحول به تدریج مرزهای جغرافیایی ایران را رد کرد، به گونه ای که امروز در سطح منطقه و جهان اسلام و حتی در سطح بین المللی در باره این تحول یعنی انقلاب اسلامی، بحث و مطالعه می کنند و به عنوان جریانی نیرومند در تحولات بین المللی مورد بررسی است.

آنچه 15 خرداد 42 اتفاق افتاد، این بود که جریان بسیار نیرومندی شکل گرفت و بسیاری از فلسفه ها و مبانی فکری موجود دنیا را به هم زد و امروز ما یک مبانی جدید سیاسی را در دنیا منتشر می کنیم. نکته مهم این است که آن روز کسی این کار را طراحی نکرد و فقط یک جریان صدر صد مردمی، خودجوش و اسلامی بود. این که حضرت امام از 15 خرداد 42 به عنوان مبدا انقلاب یاد می کنند، به دلیل همین پدیده ای است که در این روز به وجود آمد. این پدیده مثلثی است که اضلاع آن در یک ترکیب منسجم با هم قدرت جدیدی به وجود آوردند. این سه ضلع عبارت است از: وحدت و انسجام همه مردم بدون توجه به یک قشر خاص؛ اسلام به عنوان نیروی اعتقادی و انگیزه حرکت و قیام؛ رهبری کاملا ناشناخته و جدیدی که مرجعیت دینی و سیاسی است و می تواند دو ضلع مردم و اسلام را هماهنگ و تبدیل به نیرویی تاثیرگذار در تحولات اجتماعی کند.

به همین دلیل بحث ولایت فقیه در انقلاب اسلامی جایگاه ویژه ای پیدا می کند. مردم در روز 15 خرداد می گفتند یا مرگ یا خمینی و این محدود به گروهی خاص نبود. به این ترتیب، همه فعالیت خودشان را به دلیل ایمان و اعتقاد دینی انجام می دادند و به رهبری حضرت امام که مرجعی دینی و سیاسی بود، متکی بودند.

تصور رژیم شاه این بود که با سرکوب توانسته این مثلث را بشکند، ولی این طور نبود؛ زیرا در لایه های جامعه ایران آرام آرام این مثلث ریشه گرفت و سال 57 تبدیل به انقلاب شد. در شرایط فعلی و در هر شرایط دیگری هم اگر این مثلث انسجام خودش را حفظ کند و همچنان با وحدت 3 عنصر مردم، اسلام و رهبری پیش برویم، اگرچه ممکن است دشمن در شرایطی فرضا همه ما را از بین ببرد، اما نمی تواند پیروز شود. الگوی ما دقیقا برخاسته از عاشورا است و به این دلیل، امروز خودمان را ادامه دهنده راه عاشورا و حسین بن علی(ع) می دانیم.

حسین نیک پور / گروه سیاسی